این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

سبوی دوست

دشمنان انسان در راه بندگی

آیت‌الله خوشوقت(رض):
انسان سه دشمن دارد که نمی‌گذارند تقوا را مراعات کند: اول، خودمان هستیم؛ نفس امّاره ما به آزادی در عمل عادت کرده و حاضر نیست خودش را به واجب و حرام محدود کند. دوم، شیاطین جنی هستند که قسم خورده‌اند انسان‌ها را با دعوت به گناه و کفر گمراه کنند. سوم، انسان‌های شیطان صفت. این سه دشمن نمی‌گذارند ما به حرف خدا گوش دهیم. لذا خدا موقعی که گفت: «بگو: إِيَّاكَ نَعْبُدُ»، در کنار آن گفت: «بگو: وَإِيَّاكَ نَسْتَعِين»؛ بدون کمک خواستن از خدا مشکل است با این سه دشمن مبارزه کنیم.
منبع: کانال «عزیز خدا» در پیام‌رسان ایتا

شهریار همه عمر عاشق حافظ بود

کانال تلگرامی استاد «محمدرضا شفیعی کدکنی» با استناد به صفحات ۴۷۴ تا ۴۷۷ کتاب «با چراغ و آینه» نوشت: شهریار همه عمر عاشق حافظ بود و کدام شاعر فارسی‌زبان وجود دارد که عاشق #حافظ نباشد؟ اما در چند قرن اخیر یکی از دوسه شاعری که بیش از همه شیفته حافظ بوده شهریار است، دست‌کم هیچ شاعری با شعرش نتوانسته است این مایه ارادت به حافظ را به ما نشان دهد. بسیار طبیعی است که با این پایه از ارادت به حافظ، بسیاری از غزل‌های شهریار به لحاظ وزن و قافیه، شبیه غزل‌های حافظ باشند، اما این امر به خودی خود شیفتگی واقعی او را به حافظ نشان نمی‌دهد؛ شاید شاعران دیگری هم باشند که دیوان حافظ را طابق‌النعل بالنعل جواب گفته باشند از «الا یا ایها الساقی» تا «می خواه و گل‌افشان کن...». این کار به خودی خود نشانه‌ای از دلبستگی عمیق آن شاعران به حافظ نیست، هر کدام از مقلدان حافظ در طول قرون و اعصار این امتیاز را دارند؛ شهریار در اینجا مقامی فراتر از دیگران دارد. شهریار با حفظ استقلال روحی خویش و با پاسداری از حال و هوای روحی خود توانست به جمال‌شناسی شعر حافظ نزدیک شود و راز توفیق او همین بود. اینکه در جایی می‌گوید «هرچه دارم همه از دولت حافظ دارم» ناظر به این امر است نه ناظر به استقبال غزل‌های حافظ که هر آدم دیگری هم اگر حوصله به خرج دهد از آن محروم نیست. شهریار از یک طرف در جهت جمال‌شناسی شعر حافظ حرکت می‌کرد و از سوی دیگر ۱۸۰ درجه با آن فاصله می‌گرفت. در ساختمان بیت که واحد صوری شعرهای سنتی ماست، شهریار می‌کوشید که از جانب موسیقی در جهت معنی سیر کند؛ همان کاری که حافظ کرده است ولی در ساختمان یک شعر، خواه غزل باشد یا قصیده یا...، تا جایی که قافیه داشت شعر می‌گفت و به هنگام پاکنویس شعر، از هیچ قافیه‌ای صرف‌نظر نمی‌کرد.

فقدان رایزن اقتصادی ایران در کشورهای دیگر

کانال تلگرامی «تود اقتصادی» نوشت: امروزه تجارت خارجی، موتور توسعه در جوامع است، به‌طوری که سهم آن در تولید ناخالص دنیا از رقم ۵ درصد در سال ۱۹۵۰ به بیش از ۲۰ درصد در سال‌های اخیر رسیده است. اگرچه توسعه فناوری اطلاعات امروز دسترسی به بسیاری از اطلاعات تجاری موردنیاز را برای بازرگانان تسهیل کرده، اما هنوز یکی از مهم‌ترین عوامل توسعه تجارت خارجی در کشورها وجود اطلاعات بازارهای هدف و شناسایی چگونگی ورود به آنها و همچنین تسهیل توافقات دوجانبه است که موفقیت در این حوزه‌ها همگی به نقش تسهیل‌گری سفارتخانه‌ها، رایزن‌های بازرگانی و مسئولان اقتصادی هر کشور بستگی دارد. در این زمینه مقایسه وضعیت ایران به برخی کشورهای منتخب نشان می‌دهد در حالی ایران فقط شش رایزن اقتصادی در کشورهای مختلف (دو رایزن در شهرهای بغداد و بصره عراق، یک رایزن در هر یک از کشورهای ترکیه، ارمنستان، جمهوری آذربایجان و پاکستان) دارد که تعداد رایزن‌های کشور سوئد ۲۳۵ نفر (۳۹ برابر ایران)، چین ۲۲۱ نفر (۳۷ برابر ایران)، آلمان ۲۱۳ نفر (۳۶ برابر ایران)، هند ۱۹۸ نفر (۳۳ برابر ایران)، فرانسه ۱۵۶ نفر (۲۶ برابر ایران)، امریکا ۱۵۰ نفر (۲۵ برابر ایران) و دیگر کشورهای ذکر شده در نمودار نیز بین ۱۴۰ تا ۱۴۶ رایزن دارند که این تعداد، ۲۴ برابر تعداد رایزن‌های بازرگانی ایران است. قابل ذکر است در ماه‌های اخیر سازمان توسعه تجارت ایران از اعزام ۱۰ رایزن بازرگانی به بازار مهم صادراتی از جمله بازار روسیه، ترکیه، کردستان عراق، عمان، چین، هند، افغانستان و ارمنستان تا پایان سال ۱۳۹۹ خبر داده، با این حال هنوز از اجرایی شدن آن خبری منتشر نشده است.

حیف که روحانی رئیس‌جمهور نشد!

امیرحسین ثابتی در توییتی نوشت: حسن روحانی گفته است: «قیمت موادغذایی در بازار غیرمنصفانه است، چرا مردم باید در فشار باشند؟» به نظرم روحانی آدم خوبی است و واقعاً هم دلش با مردم است، فقط حیف که مردم بهش رأی ندادند تا رئیس‌جمهور شود و مشکلات را حل کند!

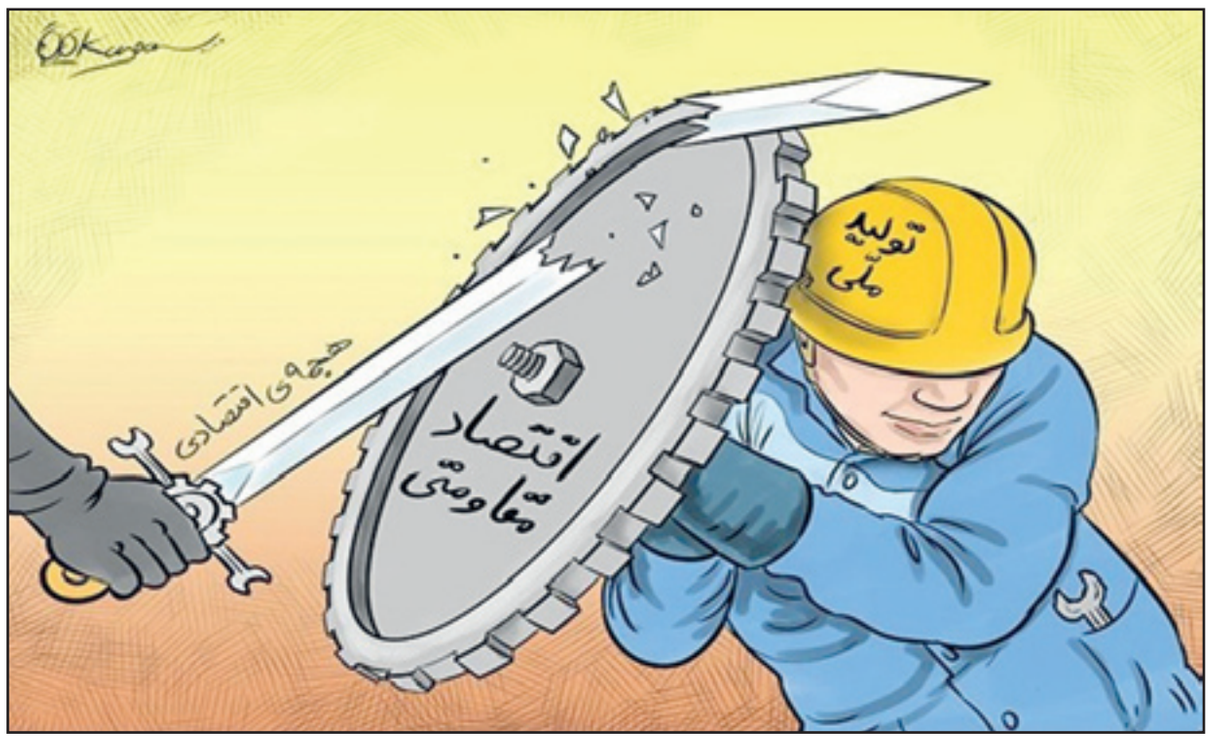

واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی به تهدید امریکا به فعال کردن مکانیسم ماشه

ماشه اقتصاد مقاومتی را فعال کنید، لطفا!

امریکایی‌ها مرتباً رجز می‌خوانند که در هفته پیش‌رو مکانیسم ماشه را بالاخره خواهند چکاند و نظام تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران را احیا خواهند کرد. از سوی دیگر حسن روحانی، رئیس‌جمهور کشورمان، به مردم وعده داده است که امریکایی‌ها در این قضیه شکست خواهند خورد و پیروزی با ملت ایران است. کاربران شبکه‌های اجتماعی نیز مکانیسم ماشه را عملاً یک جنگ روانی بی‌اثر خواندند؛ چراکه تقریباً هیچ چیز نمانده است که امریکایی‌ها تحریم نکنند. کاربران از دولت خواستند در جواب به رذالت‌های امریکا اقتصاد مقاومتی را جدی‌تر گرفته تا اقتصاد ایران را از چنگال بازی‌های رذیلانه نظام بین‌الملل رها سازند. آنها که از اقدام قاطعانه دولت ناامیدند، همچنین از مجلس خواستند تا در برابر این اقدام امریکا طرحی را به تصویب رساند تا ایران از توافق برجام برای همیشه خارج شود. در ادامه بخشی از واکنش کاربران را می‌خوانید.

■ **سیدیاسر جبرائیلی:**
درباره مکانیسم ماشه یک چیز مسلم است: امریکا از ۲۱ سپتامبر اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت را آغاز می‌کند. ادعای پایان تحریم‌های تسلیحاتی تنها زمانی معتبر خواهد بود که ایران پس از ۱۸ اکتبر یک قرارداد تسلیحاتی امضا کند. در غیر اینصورت تداوم حضور در برجام چراغ سبز برای ضربه بعدی است.

■ **عبدالله گنجی:**
شاخص برای پیروزی وعده داده توسط روحانی مصوبه نگرفتن امریکا از شورای امنیت درشنبه و یک‌شنبه نیست. شاخصی که نشان دهد امریکا هیچ غلطی نکرده و ماشه و مکانیسمی وجود ندارد این است که کشورهای اروپایی خصوصا سه کشور مدعی حفظ برجام، پس رفع تحریم تسلیحاتی با ایران قرارداد تسلیحاتی امضا کنند.

■ **مهسا نرگس:**
با فعال‌سازی مکانیسم ماشه در صورتی که امریکایی‌ها موفق شوند تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران را برگردانند و عملاً تحریم تسلیحاتی هم تمدید بشود، ادامه برجام به لحاظ سیاسی و بین‌المللی، منطقی نمی‌باشد. مجلس انقلابی باید جلوی اجرای یکطرفه برجام را بگیرد.

■ **محمود کریمی بیرانوند:**
اگر اقتصاد مقاومتی را اجرا می‌کردیم، امریکا ماشه را هم می‌کشید، قلب خود را نشانه می‌رفت. ماشه مقاومتی را فعال کنید لطفاً!

■ **محمد کرمانی:**
جان بولتون در کتاب خاطرات خود آورده که به ترامپ اخطار داده است، نظام تحریمی علیه ایران در صورتی که تداوم یابد و به فروپاشی نرسد، موجب قدرتمند شدن ایران خواهد شد و به آنها و سپس به جهان یاد خواهد داد که چگونه در برابر تحریم‌ها ایستادگی کنند. (نقل به مضمون) به نوعی خودشان هم فهمیده‌اند، ایستادگی و پیروزی نهایی ملت ایران در برابر امثال مکانیسم ماشه به زودی به یک الگوی جهانی تبدیل خواهد شد. مهم این است که اندیشمندان ما بتوانند در حوزه نظری این الگو را تئوریزه کنند.

■ **سیدمحمدامین سپیده‌دم:**
در حالی که کم و بیش سکوت کرده و نمی‌خواهند مقابل قلدری ناقضان برجام حرفی بزنند، باید بدانند ماله‌کشی یا تماشا کردن فعال‌سازی مکانیسم ماشه، از سوی آقایانی که یا این دسته گل را به آب دادند یا ترس شکست در انتخابات ۱۴۰۰ زبانشان را بسته، به‌عنوان لکه ننگی به پیشانی آنها ثبت خواهد شد.

■ **محمد پازوکی:**
امریکا گفته مکانیسم ماشه رو فعال می‌کنم، روحانی میگه این پیروزی رو من به ملت ایران تبریک می‌گم! یعنی دولت هیچ برنامه‌ای برای خروج از برجام نداره و همین عامل اصلی سوءاستفاده امریکاست. اصلاً بیایید مثبت فکر کنیم. برجام ناموس دولته و دولت هم بی‌ناموس نیست!

■ **روح‌الله نجابت:**
آنچه امریکا را گستاخ کرده، اطمینانش از پابرجا بودن رژیم بازرسی‌ها و نظارت‌هاست. کمترین کار در پاسخ به گستاخی امریکا و تلاشش برای فعال کردن مکانیسم ماشه، توقف اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی است.

■ **سعید ملکی:**
مگر تحریمی هم مانده که مدام می‌گویند مکانیسم ماشه برگرده همه تحریم‌ها برمی‌گرده؟!

■ **علیرضا فقیهی:**
هر طرحی در مجلس شورای اسلامی در مقابل فعال‌سازی مکانیسم ماشه که حاوی لغو تعهدات ایران در حوزه نظارت‌ها و بازرسی‌های بی‌سابقه آژانس، اخراج بازرسان آژانس و برچیدن دوربین‌های نظارتی آژانس نباشد، در عمل بی‌ثمر و یک نمایش پوچ سیاسی است. نمایندگان فریب طرح‌های خنثی و بدون کارکرد عینی را نخورند.

درباره عکس سلفی

دکتر یونس شکرخواه در کانال تلگرامی «عرصه‌های ارتباطی» بخشی از مقاله سال ۹۳ خود را بازخوانی کرد. او نوشته است: داستان برمی‌گردد به #شبکه‌های_اجتماعی که پشت سر هم می‌آیند و می‌روند، مثلاً گوگل که تست کرد و موفق نبود و فیسبوک که به موفقیت رسید یا همین اینستاگرام که منبع انواع سلفی‌هاست با خرید فیسبوک آسیب دید و بسیاری با آن خداحافظی کردند. این نشان می‌دهد که این جنس بازارها ذائقه‌ای است و زندگی حباب‌وار دارد. مثل حباب راحت شکل می‌گیرد، بزرگ می‌شود و همان‌قدر راحت می‌ترکد. عکس سلفی هم از این ذائقه‌محوری مستثنا نیست؛ از دید من یک تب است و ماندگار نخواهد بود؛ چراکه یک بازار اقتصادی را به طرف خود می‌کشد، مثل وسایلی که برای سلفی گرفتن به فروش می‌روند که ساخت چین و امریکا و کشورهای مختلف است. طبیعی است که همراه این تب و ذائقه همه‌گیر، صنعت هم وارد شود و بازارهای متعددی به‌وجود آید ولی این، دلیلی بر ماندگاری این پدیده نیست؛ چراکه شبکه‌های اجتماعی مثل اتاق‌های شیشه‌ای شده که فروشنده‌ها و بازاریاب‌ها را به دور خود جمع می‌کند.
عکس سلفی یک تب است مانند تب‌های دیگر که در فضاهای اجتماعی شکل می‌گیرد. مثلاً در حال حاضر شما کمتر خاطره‌نویسی و وبلاگ‌نویسی می‌بینید. ما گورستان انبوهی از وبلاگ‌های مرده داریم، شما مطمئن باشید روزی خواهد آمد که گورستانی از اکانت‌های بلااستفاده اینستاگرام خواهیم داشت. شما اینها را تجربه می‌کنید و یکی از نمودهای این تجربه از بین رفتن تب عکس سلفی است. محدودیت‌های شبکه‌های اجتماعی هر کدام براساس یک ایده است؛ شما در توییتر به طرف نوشتن متن‌های کوتاه و جملات قصار کشیده می‌شوید و از کاراکترهای محدودی فراتر نمی‌رود. در اینستاگرام بحث تصویر است و شما از طریق عکس حرف می‌زنید، اما می‌بینید به غلط در اینستاگرام کپشن‌های طولانی می‌نویسند یا از دهها هشتگ استفاده می‌کنند؛ مثلاً یک عکس از لیوان گرفته‌اند و هشتگ ساخته‌اند به‌عنوان شبکه آبیاری! خب معلوم است که بیننده دیگر سراغ این فرد نمی‌آید.
سلفی اصلی، سلفی اسکار بود. یکسری سلبریتی دورهم جمع شدند و یکی از آنها آن عکس را ثبت کرد. آن اولین سلفی بود که ماندگار شد. به نظرم اگر عکس سلفی در این فضا موفق می‌شود به یک دلیل خاص است. ما همیشه یک فرد را از نگاه دوربینش دیده‌ایم و حالا دوست داریم خودش را ببینیم. آن تمبر کوچک اکانت، جوابگوی ما نیست؛ یعنی یک روز وقتی از آن فضا بیرون می‌آیید و حریم خصوصی‌تان را برای دیگران آشکار می‌کنید، برای یک بار جذاب است، اما وقتی با هویت واقعی در شبکه‌های مجازی اکانت دارید عکس سلفی چیز جذابی نیست.
شاید اسم و اصطلاح سلفی که نو بود هم در فراگیر شدنش تأثیر گذاشت. مثلاً اگر نامش سلف‌پرتره بود (چون از قبل یک صبغه‌ای و سبکی در عکاسی داشت) همه‌گیر نمی‌شد. آن نفر اولی که از خودش عکاسی کرد، شاید هیچ وقت فکر نمی‌کرد به یک اتفاق فراگیر تبدیل شود، اما اگر شما فکر کنید سلفی یک روند پایدار است، اصلاً اینطور نیست و مثل هزار هزار اتفاق دیگر تبش سرد می‌شود. زمانی در گوگل، گذاشتن آواتار مد شد و خیلی سر و صدا کرد، اما الان از آن خبری نیست و هیچ کس یادش نیست نام آن نرم‌افزار آواتارساز چه بود؟ سلفی هم مثل همان است. برای بعضی از پدیده‌ها، فراگیری الزاماً به معنای پایداری نیست. مانند زندگی که خودش یک حباب است.

کاش آدم‌ها برای خندیدن، در مقابل آیینه تمرین نکنند

دکتر فردین علیخواه با انتشار تصویر فوق در صفحه اینستاگرام خود نوشت: آنگوس ترامبل در کتاب «تاریخ مختصر لبخند» به زوایای مختلف لبخند زدن و خندیدن در فرهنگ‌های مختلف و به‌ویژه در دوران تاریخی مختلف پرداخته است. به زودی سعی می‌کنم خلاصه‌ای از این کتاب را تهیه و منتشر کنم. برخی از منتقدان فرهنگی اشاره می‌کنند که در طول قرن بیستم فیلم‌های هالیوود نقش زیادی در تغییر سبک خندیدن برخی از افراد داشتند. در واقع برخی ساعت‌ها مقابل آیینه تمرین می‌کردند تا هنگام خندیدن یا لبخند زدن میمیک صورت‌شان شبیه به این یا آن بازیگر هالیوود شود، همانطور که برای مثال چند دهه قبل سبیل کلارک گیبلی مد شد که از رت باتلر در فیلم بربادرفته الگو گرفته بود. همه اینها را گفتم تا بگویم به نظر می‌رسد سبکی از خندیدن در حال مد شدن است که عکس‌های آن را می‌بینید. رواج این سبک از خندیدن می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد. در درجه اول گسترش فناوری‌های جدید در دندانپزشکی و امکان داشتن دندان‌های منظم، مرتب، سفید شده و براق و طبیعتاً عدم نگرانی از خندیدن با دهان باز و دوم اهمیت یافتن نفوذ یا تأثیرگذاری بر دیگران در روابط اجتماعی که گمان می‌رود دندان‌های سفید و لبخندهای مستمر یکی از ابزارهای آن باشد. دلایل هر چه باشد جامعه‌ای را دوست دارم که آدم‌ها برای خندیدن، در مقابل آینه تمرین نکنند، از کسی الگوبرداری نکنند، هر موقع خنده‌شان گرفت بدون توجه به بازار و مد و انتظارات دیگران راحت بخندند. دوستان گرامی. هیچ وقت تصور نکنیم که با کمرنگ شدن سنت‌ها، آداب و رسوم و هنجارهای اجتماعی مدافع نظام مردسالاری که خندیدن را برای زنان ناپسند و ناروا می‌شمارد همه چیز حل خواهد شد. در عصر جدید نیز انسان‌ها گرفتار هنجارهای دیگری می‌شوند که در اصل تفاوت چندانی با قبل ندارد. البته همه اینها ساخته خودمان است و می‌توانیم خرابشان کنیم و از نو بسازیمشان. بیایید خودمان باشیم.

فلسفه هدیه داماد ترامپ به پادشاه بحرین!

سید محمد حسینی، وزیر اسبق فرهنگ‌وارشاد اسلامی، در توئیتر نوشت: کوشنر دامادِ یهودی ترامپ یک جلد تورات به پادشاه بحرین هدیه داد! لابد حساب کرده این خبیث که به امت اسلامی، آرمان و مردم مظلوم فلسطین خیانت کرده و ننگ همدستی با رژیم کودک‌کش را پذیرفته، قطعاً به تعالیم قرآن پایبند نیست، پس تورات بخواند تا یهودی آن هم از نوع صهیونیستی‌اش شود!

پاورقی «جوان» از «اتاق حوادث» جان بولتون
۶۷
ترجمه: محمدصادق عبداللهی

جولیانی اصرار داشت به بهانه انتخابات ۲۰۲۰ زلنسکی را ببیند

روز هشتم می، روند ماجراهای اوکراین سرعت گرفته بود. حدود ساعت ۱:۴۵ دقیقه ترامپ از من خواست تا در دفتر ریاست جمهوری که او با جولیانی، مولوانی، سیپولون و احتمالاً کسان دیگری جلسه داشت، بروم. موضوع بحث، اوکراین بود. جولیانی همچنان مایل بود به دیدار رئیس‌جمهور جدید اوکراین، زلنسکی، برود تا درباره تحقیقات کشورش درباره تلاش‌های هیلاری کلینتون برای تأثیر بر انتخاب ۲۰۱۶ امریکا یا چیزی درباره بایدن در انتخابات ۲۰۲۰ یا هر دوی آنها صحبت کند. حرف‌های مختلفی که درباره این موضوع شنیدم بسیار پیچیده و سردرگم‌کننده بود و همین پیچیدگی باعث شده بود که کمتر به این مسئله اهمیت بدهم. حتی زمانی که این موضوع علنی شد من باز هم برایم سخت بود که بتوانم رشته‌های تئوری توطئه در این مسئله را از هم تفکیک کنم. ترامپ به روشنی در این‌باره موضع می‌گرفت و می‌گفت که من باید با زلنسکی تماس می‌گرفتم و مطمئن می‌شدم که جولیانی در هفته آتی او را خواهد دید. جولیانی قسم خورد که هیچ کدام از موکلانش در این قضیه درگیر نیستند، اما من همچنان امیدوار بودم ترامپ این اشتباه را مرتکب نشود و درگیر این موضوع نشوم. خبر اخراج یوواینچ در مطبوعات پیچیده بود و دیدار جولیانی با رئیس‌جمهور اوکراین هم مطمئناً خیلی سریع در رسانه‌ها منعکس می‌شد.
ماجرای سفر جولیاتی به اوکراین چند روزی بدون آنکه تصمیم نهایی و قطعی‌ای گرفته شود، مطرح بود. سیپولون و آیزنبرگ روز دهم می که رسانه‌های اخراج یوواینویچ را حسابی (البته رسانه‌های اصلی کمتر) پوشش می‌دادند، برای دیدن من آمدند. البته شخص جولیانی هم توجهات رسانه‌ها را بیش از حد به خود جلب می‌کرد. در مصاحبه‌ای که صبح همان روز با نیویورک تایمز منتشر شده بود از قول او نقل شده که گفته: «ما در انتخابات دخالت نمی‌کنیم، ما در یک تحقیق قضایی دخالت می‌کنیم که حق انجام آن را داریم... هیچ چیز این کار غیرقانونی نیست... شاید کسانی بتوانند بگویند که این کار شایسته و در قاموس سیاست خارجی نیست. من از آنها می‌خواهم تحقیقی را انجام دهند که البته خودشان در همین حین که صحبت می‌کنیم، مشغول آن هستند و بقیه افراد به آنها می‌گویند که کار را متوقف کنید و من قانعشان می‌کنم که از کار خود دست برندارند، چون این اطلاعات بسیار به درد موکل من می‌خورد و شاید به صورت اتفاقی به درد حکومت هم بخورد.» هر سه نفر ما هم نظر بودیم که نمی‌توانیم دست روی دست بگذاریم تا جولیانی به اوکراین برود، اما با آن بلبوشی که بود معلوم نبود دست آخر چه کسی به نمایندگی از ترامپ در مراسم تحلیف زلنسکی شرکت خواهد کرد، چون احتمال خیلی زیاد هر کسی که شرکت می‌کرد، در رسانه‌ها برایش بد تمام می‌شد.

استفاده از آپ‌های تیک‌تاک و وی‌چت در امریکا ممنوع شد

کانال تلگرامی «پایش امریکا» نوشت: روز جمعه ۱۸ سپتامبر روز خوبی برای آینده آپ تیک‌تاک نبود. در این روز وزارت اقتصاد امریکا اعلام کرد که از یک‌شنبه ۲۰ سپتامبر استفاده از این آپ تلفن هوشمند و نیز خدمات پیام کوتاه وی‌چت در این کشور ممنوع خواهد بود. معنای مشخص‌تر این ممنوعیت این است که دانلود این آپ‌ها در اپ‌استور اپل و گوگل‌استور برای ساکنان امریکا ممنوع خواهد شد. امریکایی‌هایی که این آپ‌ها را پیشتر دانلود کرده و از آن استفاده می‌کردند، اما همچنان مجاز به استفاده از آنها خواهند بود، ولی امکان به روز کردن این آپ‌ها دیگر وجود نخواهد داشت. بر اساس مقررات وزارت اقتصاد امریکا، پرداخت از طریق وی‌چت نیز دیگر ممکن نخواهد بود. این خدمات در خارج از خاک امریکا همچنان در دسترس هستند.

مسی از کجا پول درمی‌آورد؟

کانال تلگرامی «کافه دیپلمات» به نقل از «دیلی میل» نوشت: مسی یکی از پردرآمدترین بازیکنان دنیای فوتبال در حال حاضر است و نقش تبلیغات چشمگیر در این میان کاملاً مشخص است. این فوق ستاره آرژانتینی سالانه ۳۲ میلیون دلار از تمام فعالیت‌های تبلیغاتی‌اش دریافت می‌کند. یکی از بزرگ‌ترین قراردادهای همکاری او با آدیداس است. مسی پول زیادی را در تجارت صرف کرده و این، ثروت او را دائماً افزایش می‌دهد. او همچنین قرار است از اواخر امسال یک پارک تفریحی خاص را در چین افتتاح کند. او به بخش هتلداری هم وارد شده و یک هتل ۴ ستاره در شهری ساحلی در نزدیکی بارسلونا به ارزش ۲۸/۳ میلیون یورو خریده است.

صدای گلوله‌ها را نمی‌شنوید؟!

کانال تلگرام «سیاست‌شناسی» نوشت: خیلی‌ها تصورشان از جنگ با امریکا، پوشیدن لباس رزم و موضع گرفتن در پشت خاکریزها و به دست گرفتن اسلحه و گوش دادن به نوحه‌های هیجان‌انگیز و شنیدن صفیر گلوله است. یک نوستالژی که همه ما با آن آشنا هستیم، اما آنها اشتباه می‌کنند! واقعیت این است که همه ما در درون یک جنگ تمام عیار هستیم، منتها تم این جنگ با آن جنگ‌های نوستالژیک که در ذهن داریم فرق دارد، یک چیز تازه‌ای است. اصولاً این جنگی که در آن قرار داریم، سخت‌افزاری نیست و از همان روزی شروع شد که ترامپ از برجام رفت. آثارش نه با بمباران و ویرانی و شهادت و جراحت، بلکه با «انهدام زیرساخت اقتصادی» ما رقم خورده است.
مجروحان این جنگ میلیون‌ها انسان بالغ هستند که بیکار و شرمنده خود و خانواده‌هایشان هستند. آنها حتی نمی‌دانند با چه سلاحی مجروح شده‌اند! ویرانی آن به شکل تعطیلی کارخانجات و صنایع یا ورشکستگی صنعت خود را نشان می‌دهد. ترکش‌های این جنگ پایین آمدن ارزش پول ملی مملکت است در حدی که قیمت کاغذ اسکناس از ارزش خود آن بیش‌تر است؛ به‌نحوی که انتشار و چاپش هم توجیه اقتصادی ندارد.
کشته‌های این جنگ، هزاران زن و مرد و کودک هستند که بنیان خانواده‌شان به خاطر فقر اقتصادی متلاشی شده و طلاق گرفته‌اند، یا کسانی که از شدت بیکاری و فقر نمی‌توانند تشکیل خانواده دهند.
ستون پنجم این جنگ، هزاران رانت‌خوار و اختلاس‌گری هستند که با سوءاستفاده از قدرت، با انواع روش‌ها از احتکار و قاچاق گرفته تا تقلب و دزدی عین لاشخورها بر جسد بی‌جان اقتصاد این مملکت و بیت‌المال و بودجه عمومی ضربه وارد می‌کنند.
بله ما در حال جنگیم؛ یک جنگ تمام‌عیار. آثار این جنگ، هر چه جلوتر می‌رویم خود را بیش‌تر آشکار می‌کند. اینکه ۱۰ درصد جامعه با سرعت پولدارتر و ۹۰ درصد جامعه به همان نسبت فقیرتر می‌شوند و این شکاف روزی آنقدر بزرگ می‌شود که پر کردنش به اندازه یک انقلاب و یک جنگ واقعی هزینه فرهنگی اجتماعی و اقتصادی خواهد داشت. مردم بی‌نوای این سرزمین سربازان مجروح و موج گرفته‌ای هستند که گیجا گیج دور خود می‌چرخند و نمی‌دانند چه کار کنند. بله ما در حال جنگیم و داریم خون می‌دهیم. آیا شما صدای کمانه کردن گلوله‌های این جنگ را که از کنار گوشتان می‌گذرد، می‌شنوید؟!